



University of Tehran

## Reviewing the Results of Two Theories of Real Conjugal and Judicial Conjugal in Revocable Divorce

'Ali Ja'fari<sup>1\*</sup> | Mostafa Dehqan<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, College of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [alijafari@ut.ac.ir](mailto:alijafari@ut.ac.ir)

2. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, College of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [Dehghan.Mostafa@ut.ac.ir](mailto:Dehghan.Mostafa@ut.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received 18 March 2022  
Revised 10 June 2022  
Accepted 16 June 2022  
Published Online 17 March 2023

**Keywords:**  
*Real Wife,*  
*Judicial Wife,*  
*Revocable Divorced Wife,*  
*Family Jurisprudence.*

### ABSTRACT

The status of revocable divorced wife during the waiting period after divorce is one of the most important issues in jurisprudence and law. Two theories have been proposed among the jurists: real conjugal and judicial conjugal of revocable divorced wife. The present study, using a descriptive-analytical method, has examined the fruits of the two theories. Nine results of the two theories have been proposed in the words of the jurists and the lawyers, some of which have no practical effect, such as the question of whether the revocable divorce is an absolute sale or a lawful contract, whether the arrangement of conjugal rules in the waiting period after divorce is devotional or rule-governed, or whether referring to the divorced wife results in the restoration of the marriage or prevention of separation between couples. Some of the rulings mentioned as the results of the debate are not essentially related to the real conjugal and judicial conjugal, such as the question of whether the referring to the divorced wife is a right or a ruling. Some of the proposed results are important practical rulings, but there is no difference in the arrangement between real conjugal and judicial conjugal; in other words they are arranged according to both theories, such as the permission of sexual pleasure during the waiting period and eternal sanctity in case of adultery with revocable divorced wife. Examination of the jurists' statements about the revocable divorced wife indicates that all the rulings applied to the wife are also applied to the revocable divorced wife. According to the above-mentioned evidences, it is found that there is no practical difference between the two theories of real conjugal and judicial conjugal.

**Cite this article:** Jafari, A., Dehqan, M. (2023). Reviewing the Results of Two Theories of Real Conjugal and Judicial Conjugal in Revocable Divorce. *Islamic Jurisprudential Researches*, 19 (1), 73-84. DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.333384.1009154>



Author: Ja'fari, 'Ali & Dehqan, Mostafa

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.333384.1009154>



دانشگاه تهران

## پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

# نقد و بررسی ثمره‌های دو نظریه زوجیت حقیقی و زوجیت حکمی در طلاق رجعی

علی جعفری<sup>۱\*</sup> | مصطفی دهقان<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [Alijafari@ut.ac.ir](mailto:Alijafari@ut.ac.ir)

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [Dehghan.Mostafa@ut.ac.ir](mailto:Dehghan.Mostafa@ut.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

#### نوع مقاله:

پژوهشی

#### تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

#### کلیدواژه:

زوجیه حقیقی،

زوجیه حکمی،

مطلقه رجعیه،

فقه خانواده.

وضعیت مطلقه رجعیه در ایام عده از مباحث مهم فقه و حقوق است و دو نظریه در بین فقها مطرح شده است که عبارت‌اند از زوجیت حقیقی و زوجیت حکمی مطلقه رجعیه. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی ثمرات مطرح شده بر دو نظریه مطرح شده را بررسی و ارزیابی کرده است. ۹ ثمره بین دو نظریه مذکور در کلام حقوقدانان و فقها مطرح شده‌اند که برخی از آنها هیچ تأثیر عملی ندارند، مانند اینکه ماهیت طلاق رجعی مانند بیع صرف است یا عقد جایز، ترتب احکام زوجیت در ایام عده، تعدی است یا مطابق قاعده و اینکه رجوع سبب اعاده زوجیت یا مانع افتراق زوجین می‌شود. بعضی از احکامی که به‌عنوان ثمره بحث ذکر شده‌اند، اساساً ارتباطی به زوجیت حقیقی و حکمی ندارند، مانند حق یا حکم بودن ماهیت رجوع. بعضی از ثمرات مطرح شده، احکام عملی مهمی‌اند، اما در ترتب آنها فرقی بین زوجیت حقیقی و حکمی نیست و بنا بر هر دو مبنی مترتب می‌شوند، مانند جواز استمتاع زوجین در ایام عده، حرمت ابدی در صورت زنا با مطلقه رجعیه. بررسی عبارات فقها در مورد مطلقه رجعیه حاکی از این است که تمامی احکامی که بر زوجه مترتب می‌شوند، بر مطلقه رجعیه نیز مترتب می‌شوند. بر اساس شواهد مذکور، نتیجه‌ای که جستار حاضر به آن دست یافته این است که دو نظریه زوجیت حقیقی و حکمی در مقام عمل هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.

**استناد:** جعفری، علی؛ دهقان، مصطفی (۱۴۰۲). نقد و بررسی ثمره‌های دو نظریه زوجیت حقیقی و زوجیت حکمی در طلاق رجعی. پژوهش‌های فقهی، ۱۹ (۱)، ۷۳-۸۴.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.333384.1009154>

**ناشر:** مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© جعفری، علی؛ دهقان، مصطفی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.333384.1009154>



## ۱. مقدمه

راه‌های انحلال نکاح یکی از مباحث پر دامنه و گسترده در فقه اسلامی‌اند که مانند خود نکاح به سبب آثار متعدد و مهمی که دارند، مورد توجه فقها و حقوقدانان قرار گرفته‌اند. بعضی از راه‌های انحلال نکاح مانند ارتداد، لعان و فسخ نکاح به واسطه عیوبی که مجوز فسخ نکاح هستند، مشترک بین نکاح دائم و موقت‌اند و بعضی راه‌ها مانند انقضای مدت عقد و بذل مدت، به نکاح منقطع و بعضی راه‌ها نیز به عقد دائم اختصاص دارند، مانند طلاق که متعارف‌ترین روش انحلال نکاح دائم محسوب می‌شود.

طلاق رجعی از اقسام مهم طلاق است و به طلاقى که در آن زوج تا قبل از انقضای عده، حق رجوع به مطلقه را دارد، اطلاق می‌شود و در مقابل آن طلاق بائن قرار می‌گیرد. طلاق بائن منحصر به پنج نوع طلاق است:

اول: زنی که به ۹ سال نرسیده باشد؛

دوم: زنی که شوهر با او موافقه نکرده باشد؛

سوم: زنی که یائسه باشد؛

چهارم: زنی که برای سومین بار طلاق داده شود؛

پنجم: زنی که به خلع یا مبارات از مرد جدا شود.

در غیر پنج مورد مذکور طلاق رجعی است (علامه حلی ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۳۲). ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی نیز انواع طلاق بائن را ذکر کرده، اما فقط به چهار مورد اکتفا شده و طلاق صغیره در آن ماده ذکر نشده است.

مسئله مهم در مورد طلاق رجعی این است که این نوع طلاق چه تأثیری در نکاح و رابطه بین زوجین می‌گذارد. روشن است که پس از طلاق و انقضای عده، در صورت عدم رجوع زوج، رابطه زوجیت بین زن و شوهر خاتمه می‌یابد. همچنین واضح است که در صورت رجوع زوج تا قبل از انقضای عده، رابطه زوجیت برقرار است، اما وضعیت زن و مرد پس از وقوع طلاق و پیش از رجوع و انقضای عده، محل اختلاف است، زیرا بسیاری از احکام و وظایف زن و شوهر مانند توارث، وجوب نفقه و حرمت ازدواج با خواهر مطلقه در ایام عده به قوت خود باقی است و از طرفی طلاق نیز واقع شده است که مقتضی انحلال نکاح و زوال احکام آن است. بنابراین سؤال این است که آیا پس از وقوع طلاق رجعی، زوجیت از بین می‌رود یا باقی است؟ در پاسخ به پرسش مطرح شده دو نظریه زوجیت حقیقی و حکمی مطلقه رجعی در آثار فقها مطرح شده و ادله مختلفی برای پاسخ به پرسش و یافتن پاسخ صحیح مطرح شده است. مسئله‌ای که در تحقیق حاضر بررسی شده، این است که ثمره عملی دو نظریه زوجیت حقیقی و حکمی مطلقه رجعی چیست؟ تحقیقاتی که به این موضوع پرداخته‌اند چه تفاوت عینی و عملی بین این دو نظریه ترسیم کرده‌اند؟

## ۲. مفهوم‌شناسی طلاق

طلاق اسم مصدر از ریشه طَلَّق است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۲۰۷؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۳۷۶). طَلَّق به معنای ارسال، رهایی و رفع حصر به کار می‌رود (ابوالحسین، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۴۲۰؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۷: ۱۱۱) و در استعمالات مختلف آن همین معنی وجود دارد. مثلاً «طَلَّقَ الْيَدِينَ» به معنای کسی که سخاوتمند است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۵۱۷)، چه اینکه در عطای او قید و حصری وجود ندارد و «طَلَّقَ اللِّسَانَ» به معنای فصیح و خوش‌زبان است و به کسی که متبسم است، «طَلَّقَ الْوَجْهَ» گفته می‌شود (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۳۷۷) و به شتری که بسته نشده است «بَعِيرٌ طَلَّقٌ» گفته می‌شود (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۵۱۸). همچنین در علم اصول به کلامی که بدون قید است، «مطلق» گفته می‌شود و از این حیث که نکاح یک تعهد و به تعبیر قرآن کریم میثاق غلیظ است (نساء/۲۱)، به رهایی از این تعهد، طلاق گفته می‌شود. مرحوم مصطفوی در معنای طلاق فرموده‌اند: نکاح تعهد و محصوریتی است که به عقد، بین زوجین حاصل می‌شود که مقتضی التزام به لوازم آن است و طلاق رفع این محصوریت است و زن بعد از طلاق، از حدود زوجیت رها می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۷: ۱۱۱).

### ۱.۲. معنای اصطلاحی

شهید ثانی در تعریف طلاق فرموده‌اند: «الطلاق و هو إزالة قيد النكاح بغير عوض بصيغة طالق» (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۱۱). مقید کردن تعریف طلاق به «غیر عوض» برای خارج کردن مواردی است که در قبال عوض، نکاح زائل می‌شود، مانند خلع و محدود

کردن به صیغه طالق برای خارج کردن موارد فسخ نکاح است و البته صیغه نکاح منحصر به طالق نیست و در تعاریف برخی دیگر از فقها بعد از لفظ طالق، کلمه «شبهها» یا «و ما فی معناها» نیز اضافه شده است تا شامل سایر صیغه های طلاق نیز بشود (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲: ۱۹۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲: ۲). صاحب جواهر پس از تعریف شرعی طلاق متذکر شده اند که تعریف شرعی از همان معنای لغوی گرفته شده است و فرموده اند: «در جای خود ثابت شده است که در عقود و ایقاعات حقیقت شرعیه نداریم، زیرا واضح است که این معانی قبل از زمان پیامبر (ص) نیز وجود داشته اند و فقط پیامبر (ص) برای صحت آنها شروطی را معتبر دانسته اند و علما با ضمیمه شروط صحت به معنای لغوی، معنای شرعی را در مقابل معنای لغوی قرار داده اند» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۲: ۳).

### ۳. پیشینه پژوهش

با اینکه همه فقها احکام زوجه را بر مطلقه رجعیه مترتب می دانند، اما در بسیاری از آثار فقهی، زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه و ثمره بین آن دو، بررسی نشده اند. در میان محققان معاصر حجت الاسلام و المسلمین سید جواد شبیری زنجانی در مباحث درس خارج فقه طلاق ثمرات زوجیت حقیقی و حکمی مطلقه را بررسی کرده اند. همچنین آقای دکتر حاجی ده آبادی در مقاله «مطلقه رجعیه زوجه حقیقی یا حکمی؟» و آقای محمد صالحی مازندرانی و آقای حسینعلی عبدالمجیدی در مقاله «بررسی آثار و احکام طلاق رجعی با در نظر گرفتن وضعیت حقوقی مطلقه رجعیه» این مسئله را ارزیابی کرده اند. شایان ذکر است که در بین پژوهش های انجام گرفته مقاله حاجی ده آبادی نسبت به سایر آثار از جامعیت بیشتری برخوردار است و تحقیقات انجام گرفته در درس خارج فقه استاد سید جواد شبیری و مقاله «بررسی آثار و احکام طلاق رجعی با در نظر گرفتن وضعیت حقوقی مطلقه رجعیه» ناظر به مقاله دکتر حاجی ده آبادی هستند و مباحث مطرح شده در مقاله ایشان را نقد و تکمیل کرده اند. هرچند پژوهش های صورت گرفته، در آثار عملی مترتب بر زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه اختلافاتی دارند، اما اصل ترتب اثر عملی بر زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه رجعیه مورد اتفاق آنهاست و از ترتب ثمره عملی بر دو نظریه زوجیت حقیقی و حکمی دفاع کرده اند.

در تحقیق حاضر علاوه بر بررسی ثمرات مطرح شده در مقاله دکتر حاجی ده آبادی، ثمرات مطرح شده در درس خارج فقه استاد شبیری نیز ارزیابی شده اند.

### ۳.۱. روش شناسی پژوهش

برای سامان یافتن جستار حاضر، روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی استفاده شده است.

### ۳.۲. یافته های پژوهش

نتیجه ای که پژوهش حاضر با بررسی فتاوی فقها به آن دست یافته، این است که طبق هر دو نظریه تمام آثار زوجیت بر مطلقه رجعیه مترتب می شود و هیچ ثمره عملی بین دو نظریه مطرح شده وجود ندارد.

### ۴. دیدگاه ها

در مورد در بین فقها دو نظریه در مورد زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه در ایام عده مطرح شده است:

#### ۴.۱. زوجیت حقیقی

مطلقه رجعیه زوجه حقیقی است و طلاق رجعی واقع شده هیچ تأثیری تا قبل از انقضای عده ندارد. بنابراین رابطه و احکام زن و مرد در دوران عده طلاق رجعی مانند قبل از وقوع طلاق است. طبق این نظریه، ارتباط انقضای عده به تأثیر طلاق را می توان به صورت شرط تقریر کرد، به این صورت که تأثیر طلاق رجعی مشروط به انقضای عده و عدم تحقق رجوع است و در صورت عدم تحقق رجوع، پس از انقضای عده، موجب زوال نکاح می شود. همچنین می توان انقضای عده را به صورت جزء العله نسبت به زوال نکاح تقریر کرد، به این صورت که طلاق رجعی جزئی از علت انحلال نکاح است و جزء دیگر عبارت است از انقضای عده و

عدم رجوع زوج، برخلاف طلاق بائن که به صرف تحقق، اثر می‌گذارد و پس از طلاق، بینونت بین زن و مرد حاصل می‌شود. بر اساس این نظریه، طلاق رجعی مانند عقد صرف است که به‌تنهایی اثری در نقل و انتقال ملکیت ندارد و در صورت قبض اثر می‌گذارد. آیت‌الله خوئی در توضیح این نظریه فرموده‌اند: مطلقه در ایام عده طلاق رجعی زوجه حقیقی است نه زوجه حکمی و در واقع طلاق رجعی مانند بیع صرف و سلم است. همان‌طور که انشای صرف و سلم در زمان حال واقع می‌شود، اما امضای شارع و تأثیر عقد متوقف بر قبض است و با تحقق قبض، عقد اثر می‌گذارد. طلاق رجعی نیز در زمان حال، انشا می‌شود، اما فراق و جدایی بعد از انقضای عده حاصل می‌شود و قبل از انقضای عده، صرفاً انشای طلاق واقع شده و همه آثار و احکام زوجیت مانند جواز نظر، تزیین و تمکین باقی هستند، حتی اگر زوج در زمان عده با مطلقه مجامعت کند، درحالی‌که اعتقاد دارد که این کار زناست، زنا واقع نمی‌شود (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲: ۴۶۱). آیت‌الله شاهرودی این نظریه را در عداد قواعد فقهی به‌شمار آورده و قاعده «المعتده رجعیه زوجه» را مطرح کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۶: ۴۱۲).

#### ۲.۴. زوجیت حکمی

قائلان به این نظریه معتقدند با وقوع طلاق رجعی زن و مرد از یکدیگر جدا می‌شوند و رابطه زوجیت بین آنها مانند طلاق بائن کاملاً زائل می‌شود، اما مطلقه در حکم زوجه است، مانند معامله جایز که با وقوع معامله، نقل و انتقال واقع می‌شود و تملیک و تملک حاصل می‌شود، اما تا قبل از لزوم، می‌توان معامله را فسخ کرد. در طلاق رجعی نیز با وقوع طلاق بینونت حاصل می‌شود، اما تا قبل از انقضای عده، زوج می‌تواند طلاق را به هم بزند. طبق نظر بعضی از قائلان به زوجیت حکمی، مطلقه در همه احکام مانند زوجه است و همه احکام زوجیت بین زوجین برقرار است، مگر احکامی که استثنا شده باشند. امام خمینی (۱۴۳۴ق، ج ۲: ۳۱۰) در مورد وضعیت مطلقه رجعیه فرموده‌اند: «مطلقه رجعیه در احکام به حکم زوجه است و در مواردی که دلیلی بر استثنا دلالت نکند تا زمانی که عده منقضی نشده، حکم زوجه بر مطلقه رجعیه مترتب می‌شود، مانند استحقاق نفقه، سکنی، توارث و...». طبق نظر برخی دیگر، مطلقه رجعیه فقط در مواردی که دلیل وجود دارد در حکم زوجه است (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۲۱۱). این نظریه فقط در آثار آیت‌الله اشتهاردی مشاهده شد و توضیح بیشتر در مورد آن خواهد آمد. ثمره دو نظریه اخیر این است که اگر در مورد ترتب حکمی خاص بر مطلقه شک کنیم، طبق نظریه امام خمینی (ره) حکم به ترتب اثر می‌کنیم، زیرا دلیلی بر استثنا اثر نداریم، اما طبق نظریه دوم، اصل عدم ترتب اثر است و برای ترتب اثر باید دلیل داشته باشیم.

#### ۵. ثمره بین زوجیت حقیقی و حکمی مطلقه در ایام عده طلاق رجعی

از مباحث مهمی که در مورد زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه لازم است مطرح شود، ثمره نزاع است. بعضی محققان به این مسئله پرداخته‌اند و ثمراتی را در مورد زوجه حقیقی یا حکمی بودن مطلقه رجعیه، مطرح کرده‌اند که در این بخش آنها را بررسی می‌کنیم.

#### ۵.۱. ثمرات مترتب بر زوجیت حقیقی و حکمی

##### ۵.۱.۱. ثمره اول: ماهیت طلاق

اگر مطلقه زوجه حقیقی باشد طلاق رجعی شبیه بیع صرف است و همان‌طور که در بیع صرف ترتب اثر متوقف بر قبض است و صرف عقد اثری ندارد، در طلاق رجعی نیز صرف طلاق اثری ندارد و ترتب اثر متوقف بر انقضای عده و عدم رجوع است و اگر مطلقه در حکم زوجه باشد، طلاق رجعی شبیه عقد خیاری است. بنابر نظر مشهور، بر عقدی که در آن خیار وجود دارد به صرف تحقق عقد اثر مترتب می‌گردد، اما ذوالخیار حق فسخ عقد را دارد. طبق مبنای زوجیت حکمی نیز طلاق اثر می‌گذارد و بینونت حاصل می‌شود و زوج حق دارد که رجوع کند و اثر طلاق را ملغی کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵).

بررسی: تفاوت مطرح‌شده بین بیع صرف و عقد جایز هرچند موجب ترتب ثمره عملی بر آن دو می‌گردد، زیرا احکام عقد جایز از قبیل جواز تصرف در بیع صرف (تا قبل قبض) مترتب نمی‌شود، اما در مورد زوجیت حقیقی و حکمی مطلقه رجعیه در ایام عده

چنین تفاوتی اثر عملی ندارد، زیرا بنا بر اینکه مطلقه، زوجه حکمی باشد نیز همان احکام زوجه حقیقی مترتب می‌گردد. بنابراین اینکه طلاق رجعی شبیه بیع صرف یا شبیه عقد جایز باشد، اثر عملی ندارد.

### ۵. ۱. ۲. ثمره دوم: حقیقت رجوع (استدامه زوجیت یا زوجیت جدید)

اگر مطلقه زوجه حقیقی باشد و هنوز جدایی بین زن و مرد واقع نشده باشد رجوع استدامه و استمرار زوجیت سابق است، اما اگر زوجیت با طلاق زائل شده باشد و مطلقه در حکم زوجه باشد، رجوع، عقد جدید محسوب می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵؛ صالحی مازندرانی و عبدالمجیدی، ۱۳۹۵). اینکه رجوع نکاح جدید باشد یا استمرار زوجیت سابق در بعضی از مباحث فقهی تأثیر دارد که به دو مورد اشاره می‌شود.

مورد اول: اگر مردی همسرش را طلاق دهد و بعد هر دو مُحْرِم شوند با توجه به اینکه یکی از محرمات احرام، ازدواج است، در صورتی که رجوع نکاح جدید باشد، در حال احرام جایز نخواهد بود، اما اگر رجوع استمرار نکاح سابق باشد، رجوع در حال احرام اشکالی ندارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵).

مورد دوم: زنا سبب حرمت ابدی مادر و دختر زانیه بر زانی می‌شود، اما اگر بعد از ازدواج زنا صورت بگیرد، موجب حرمت ابدی نمی‌شود، بنابراین اگر مردی بعد از ازدواج، با مادر همسرش زنا کند همسرش بر او حرام نمی‌شود. در صورتی که مردی با زنی ازدواج کند و بعد با مادر او زنا کند و بعد همسرش را طلاق دهد آیا می‌تواند رجوع کند یا خیر؟ اگر رجوع استدامه زوجیت سابق باشد اشکالی ندارد (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۵۵۱)، اما اگر رجوع ازدواج جدید باشد، چون ازدواج بعد از زنا با مادر جایز نیست، رجوع حرام خواهد بود.

آیت‌الله خوئی در توضیح فرع دوم و ارتباط زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه به آن فرموده‌اند: جواز رجوع طبق مبنایی که اختیار کرده‌ایم (زوجیت حقیقی مطلقه در ایام عدّه رجعیه)، واضح است، زیرا با طلاق جدائی بین زن و مرد حاصل نشده و با رجوع نکاح جدیدی حادث نمی‌شود اما جواز رجوع با مبنای مشهور که قائل‌اند با طلاق بین زن و مرد بینونت حاصل می‌شود، سازگار نیست، زیرا زوجیت سابق مرتفع شده است و زوجیت جدیدی با رجوع حادث می‌شود که با زوجیت قبلی فرق می‌کند، مگر اینکه به تسامح عرفی ادعا شود که همان زوجیت قبلی برمی‌گردد، و الا زوجیتی که معدوم شده است بر نمی‌گردد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲: ۳۲۸). بررسی: اینکه مطلقه زوجه حقیقی باشد یا زوجه حکمی در حقیقت رجوع تأثیری ندارد، زیرا رجوع بنا بر هر دو مبنای، نکاح جدید محسوب نمی‌شود. توجه به دو نکته ذیل می‌تواند در حل مسئله راهگشا باشد.

نکته اول: همان‌طور که در عبارت آیت‌الله خوئی آمده است مشهور قائل به این هستند که مطلقه در حکم زوجه است نه زوجه حقیقی، بنابراین در دو مسئله مذکور مشهور طبق مبنای خود باید بگویند رجوع در حال احرام و بعد زنا با مادر همسر جایز نیست، در حالی که ظاهراً اجماع بر جواز رجوع در دو مسئله مذکور است. برای مثال در مورد فرع دوم صاحب عروه فرموده: رجوع اعاده زوجیت اولی است و حرام نیست و امام خمینی ره و آیت‌الله اشتهاردی که قائل به این هستند که مطلقه زوجه حکمی است بر فرمایش صاحب عروه تعلیقه‌ای نرده‌اند (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۵۵۱؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹: ۳۲۷)، در حالی که اگر طبق مبنای زوجیت حکمی مطلقه، رجوع تزویج جدید محسوب می‌شود، امام خمینی و دیگر قائلان به زوجیت حکمی جواز رجوع را قبول نمی‌کردند.

نسبت به فرع اول آیت‌الله فاضل تصریح کرده‌اند که چه مطلقه زوجه حقیقی باشد و چه در حکم زوجه باشد، رجوع تزویج جدید نیست و رجوع در حال احرام اشکالی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۴۶۴) و ظاهراً همه فقها رجوع در احرام را جایز می‌دانند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵).

نکته دوم: اگر رجوع طبق مبنای زوجیت حکمی تزویج جدید باشد، لازم‌آش این است که نیاز به رضایت مطلقه داشته باشد (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۸: ۷۶)، زیرا نکاح جدید عقد است و با صرف انشای مرد واقع نمی‌شود، بنابراین رجوع در صورتی صحیح است که مطلقه رضایت به نکاح جدید داشته باشد هیچ فقهی چنین لازمه‌ای را نمی‌پذیرد.

نتیجه اینکه بررسی فتاوی قائلان به زوجیت حکمی مطلقه، تصریح آیت‌الله فاضل و تالی فاسد التزام به اینکه رجوع نکاح جدید است، حاکی از این واقعیت هستند که رجوع تزویج جدید نیست و بر رجوع، عقد و تزویج جدید صدق نمی‌کند، حتی بنا بر



طلاق مشروط به انقضای عده باشد، رجوع مانع از تأثیر طلاق می‌شود؛ یعنی طلاق رجعی مقتضی بینونت است و رجوع مانع از تأثیر آن می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵).

بررسی: این ثمره نیز صرفاً علمی است و از نظر عملی تأثیری ندارد، زیرا رجوع چه مانع از بین رفتن زوجیت فعلی باشد و چه سبب ایجاد زوجیت جدید در ترتب احکام و آثار زوجیت تعیینی ایجاد نمی‌شود و طبق هر دو نظر، احکام زوجیت پس از رجوع مترتب می‌گردد.

#### ۵. ۱. ۶. ثمره ششم: جواز و حرمت استمتاع مطلقه از زوج

اگر مطلقه رجعیه حقیقتاً زوجه باشد، می‌تواند از زوج استمتاع ببرد؛ اما اگر مطلقه، زوجه حقیقی نباشد، استمتاع بر او حرام است. آیت‌اله اشتهاوردی که از قائلان به زوجیت حکمی شمرده می‌شوند، در توضیح احکام مترتب بر مطلقه رجعیه فرموده‌اند: «اطلاقی که دلالت کند بر اینکه مطلقه به حکم زوجه است وجود ندارد و فقط ثبوت بعضی از احکام نسبت به مطلقه ثابت شده است، مانند ارث، وجوب نفقه، حرمت خواستگاری از مطلقه و حرمت خروج از منزل بدون اذن مرد، اما مطلقه در همه احکام مانند زوجه نیست و به همین جهت بعضی از فقها در جواز نگاه مرد به مطلقه اشکال کرده‌اند، اما نگاه مطلقه به مرد حرام است و اشکال و ابهامی در آن نیست» (اشتهاوردی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۲۱۱).

بررسی: اگر قائل به زوجیت حقیقی یا زوجیت حکمی و ترتب جمیع آثار و احکام باشیم، ثمره مذکور در عمل تأثیری ندارد و بنابر هر دو نظریه استمتاع زن از مرد جایز است، زیرا مطلقه رجعیه یا زوجه حقیقی است و یا در حکم زوجه است و همه احکام مترتب می‌شود که یکی از آن احکام، جواز استمتاع زن از مرد است. فقط طبق مبنای زوجیت حکمی و ترتب بعض آثار، ثمره‌ای که مطرح شد، مترتب می‌شود، اما مبنای مذکور معلوم نیست قائل داشته باشد، چه اینکه نظریه زوجیت حکمی مطلقه و عدم ترتب جمیع آثار، به آیت‌اله اشتهاوردی نسبت داده شده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵) و عبارتی که از ایشان نقل کردیم که مربوط به اوایل کتاب مدارک العروه است نیز بر درستی این نسبت گواهی می‌دهد، اما حقیقت این است که عبارات ایشان در اواخر کتاب مدارک العروه حاکی از این است که ایشان از این نظریه عدول کرده‌اند و یا قائل به زوجیت حقیقی‌اند و یا قائل به زوجیت حکمی و ترتب جمیع آثار؛ برای روشن شدن مسئله، به دو نمونه از نظرهای ایشان اشاره می‌کنیم.

در مورد اشتراط اذن زوج در حج زوجه، صاحب عروه فرموده‌اند: معتده رجعیه تا زمانی که در عده است در اشتراط اذن زوج، مانند زوجه است و آیت‌اله اشتهاوردی در تعلیقه بر مسئله فوق فرموده‌اند: «ظاهراً اتفاق و اجماع فقها بر این است که مطلقه رجعیه زوجه است و احکام زوجه بر او مترتب می‌شود» (اشتهاوردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۴: ۲۷۰).

همچنین صاحب عروه در مورد ازدواج با امه فرموده‌اند: «اگر کسی زوجه حره داشته باشد و او را طلاق بائن دهد می‌تواند در عده با امه ازدواج کند، اما اگر زوجه‌اش را طلاق رجعی بدهد در جواز ازدواج با امه اشکال است، اما بعید نیست ازدواج جایز باشد، زیرا اخبار، از این مسئله انصراف دارند» (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۵۶۶).

آیت‌اله اشتهاوردی (۱۴۱۷ق، ج ۲۹: ۳۶۸) در تعلیقه بر کلام صاحب عروه مبنی بر انصراف فرموده‌اند: وجهی برای انصراف وجود ندارد، زیرا مطلقه رجعیه زوجه است و این مطلب علاوه بر اینکه معقد اجماع فقها است از اخبار متفرقه‌ای نیز استفاده می‌شود و از آن اخبار، عمومیت استفاده می‌گردد

بنابراین معلوم نیست که ایشان قائل به این نظریه باشند که مطلقه در بعضی از احکام در حکم زوجه است، به خصوص اینکه در مورد اخیر فرمودند که از اخبار عمومیت استفاده می‌شود؛ به هر حال اگر این نظریه قائل نداشته باشد، ثمره مذکور مترتب نمی‌شود و طبق نظر همه فقها مطلقه حق استمتاع از مرد را دارد.

#### ۵. ۱. ۷. ثمره هفتم: اشتراط یا عدم اشتراط استمتاع زوج به قصد رجوع

یکی از تفاوت‌هایی که بین دو نظریه در مورد مطلقه رجعیه بیان شده، این است که اگر مطلقه رجعیه، زوجه حقیقی باشد، استمتاع از مطلقه برای مرد جایز است، بدون اینکه مرد قصد رجوع داشته باشد، زیرا مطلقه، زوجه اوست، اما اگر مطلقه رجعیه در حکم زوجه باشد، جواز استمتاع از او مشروط به قصد رجوع است و اگر مرد قصد رجوع نداشته باشد و از زن استمتاع ببرد، مجرم و قابل مجازات است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵).



بررسی: مقتضای التزام به زوجیت حکمی مطلقه حرمت استمتاع بدون قصد رجوع، نیست، زیرا کسانی که مطلقه را در حکم زوجه می‌دانند، احکام زوجه را بر مطلقه مترتب می‌کنند که یکی از آن احکام، جواز نظر، لمس و سایر استمتاعات است، بنابراین از حیث جواز استمتاع، تفاوتی بین دو نظر وجود ندارد. شاهد این ادعا این است که فقهای مطلقه را در حکم زوجه می‌دانند نیز استمتاع مرد از مطلقه بدون قصد رجوع را جایز می‌دانند. برای مثال صاحب عروه در مسئله ۳۴ بحث نکاح فرموده‌اند: «استمتاع از مطلقه رجعیه جایز است، هر چند که مرد قصد رجوع نداشته باشد» (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵: ۴۹۵) و امام خمینی (ره) که از قائلان به زوجیت حکمی‌اند، تعلیقه‌ای بر فتوای صاحب عروه زده‌اند، درحالی که اگر حرمت استمتاع بدون قصد رجوع بر زوجیت حکمی مترتب می‌شد، لازم بود بر فتوای صاحب عروه تعلیقه بزنند.

### ۵. ۱. ۸. ثمره هشتم: صحت ظهار و ایلاء

استاد سید جواد شبیری زنجانی احکام مترتب بر مطلقه در ایام عده رجعیه را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از: اول: احکامی که ارتباطی به زوجة حقیقی یا حکمی بودن مطلقه ندارند، مثل اینکه رجوع به چیزی محقق می‌شود و اینکه جماع رجوع محسوب می‌شود یا خیر؟

دوم: احکامی که به واسطه وجود دلیل خاص، بر مطلقه مترتب می‌شوند، اعم از اینکه مطلقه زوجة حقیقی باشد یا زوجة حکمی مانند توارث در عده، لزوم عده وفات در صورت فوت شوهر، وجوب استیذان برای حج مستحب و جواز آشکار کردن زینت. سوم: احکامی که مترتب بر مطلقه علقه بین زن و مرد هستند، یعنی حتی اگر علقه زوجیت بین زن و مرد وجود نداشته باشد، همان علقه‌ای که باعث می‌شود، مرد حق رجوع داشته باشد، سبب ترتب این احکام می‌گردد، مانند حرمت ازدواج با خواهر زن، حرمت ازدواج با زن پنجم و حرمت خواستگاری از مطلقه.

استاد شبیری زنجانی فرموده‌اند: در احکام مطرح شده ثمره عملی بین زوجیت حقیقی و حکمی وجود ندارد و ثمره عملی زوجیت این بحث مربوط به احکامی است که از سه دسته مذکور خارج باشند که عبارت‌اند از صحت ایلاء و ظهار مطلقه، جواز تکلیفی استمتاع مرد از مطلقه رجعیه و ثبوت حرمت ابدی در صورت زناى فرد اجنبی با مطلقه (شبیری زنجانی، بی تا). بررسی: نسبت به حکم تکلیفی استمتاع زوج و زوجه در ثمره ششم و هفتم سخن گفتیم و روشن شد نسبت به حکم تکلیفی استمتاع، بین زوجیت حقیقی و حکمی اثر عملی وجود ندارد و صحت ظهار و ایلاء نسبت به مطلقه رجعیه را در این بخش بررسی می‌کنیم و حرمت ابدی زناى با مطلقه در ثمره نهم بررسی خواهد شد.

همان‌طور که مطرح شد در صورتی که قائل به زوجیت حکمی مطلقه باشیم، تفاوتی بین آثار مختلف وجود ندارد و همه آثار بر مطلقه رجعیه مترتب خواهد شد. بررسی کلمات فقها در مباحث ظهار و ایلاء نیز حاکی از این است که ترتب حکم ظهار و ایلاء بر مطلقه رجعیه حتی با فرض زوجیت حکمی نزد آنان ثابت است و ترتب حکم متوقف بر زوجیت حقیقی نیست. شهید ثانی در مورد صحت لعان، ایلاء و ظهار در ایام عده رجعیه فرموده‌اند: «هر گاه مردی همسر مطلقه‌اش را قذف کند، در صورتی که طلاق رجعی باشد و قذف در ایام عده واقع شود، احکام لعان بین مرد و همسر مطلقه‌اش جریان پیدا می‌کند همان‌طور که در ایام عده رجعیه ایلاء و ظهار نیز جایز است، زیرا مطلقه رجعیه در حکم زوجه است» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰: ۱۸۳).

همچنین صاحب جواهر در مورد صحت ظهار و ایلاء در ایام عده فرموده است: «اگر مردی همسر مطلقه رجعیه خود را در ایام عده نسبت به زمان زوجیت یا نسبت به زمان عده قذف کند می‌تواند او را لعان نماید، همان‌طور که حق ایلاء و ظهار را نیز نسبت به مطلقه دارد زیرا مطلقه در حکم زوجه است و صحت لعان، ایلاء و ظهار متوقف بر رجوع نیست» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۴: ۱۰). طبق عبارت شهید ثانی و صاحب جواهر ترتب حکم ظهار، ایلاء و لعان متوقف بر زوجیت حقیقی نیست و بر اساس زوجیت حکمی مطلقه رجعیه نیز این احکام ثابت‌اند، بنابراین نسبت به صحت لعان، ظهار و ایلاء اثر عملی بین زوجیت حقیقی و حکمی وجود ندارد.

### ۵. ۱. ۹. ثمره نهم: حرمت ابدی ازدواج با مطلقه رجعیه در صورت زنا

زناى با زن شوهردار از محرماتی است که طبق نظر بیشتر فقها موجب حرمت ابدی ازدواج می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ۴۴۶).

ترتیب حرمت ابدی بر زنا با مطلقه رجعیه، از آثاری است که برخی آن را متوقف بر پذیرش زوجیت حقیقی مطلقه کرده‌اند (شبیری زنجانی، بی تا) و در نتیجه بنا بر مبنای زوجیت حقیقی مطلقه بر زانی حرام ابدی می‌شود، اما بنا بر زوجیت حکمی مطلقه رجعیه، ازدواج زانی با مطلقه رجعیه پس از انقضای عده حرام نیست، اما بررسی فتاوی قائلان به زوجیت حکمی چنین ادعائی را تأیید نمی‌کند، چه اینکه بعضی از فقهای که قائل به زوجیت حکمی مطلقه رجعیه هستند نیز حکم به حرمت ابدی مطلقه رجعیه بر زانی نموده‌اند، مثلاً مرحوم امام خمینی در *تحریر الوسیله* چنین مرقوم کرده‌اند: «اگر مردی با زنی که در عده طلاق رجعیه است زنا کند زن بر او حرام ابدی می‌شود» (خمینی موسوی، ۱۴۳۴ق، ج ۲: ۲۵۲).

با توجه به ادله‌ای که فقها برای حرمت ازدواج در عده مطرح کرده‌اند روشن می‌شود که حرمت ابدی مطلقه رجعیه بر زانی از این جهت نیست که مطلقه در حکم زوجه است، بلکه حرمت ابدی مستند به ادله خاصی است که در این مورد وارد شده‌اند. برای مثال صاحب جواهر علاوه بر اجماع، روایت زراره و داود بن سرحان از امام صادق ع را به‌عنوان مستند حرمت ابدی ذکر کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ۴۳۰) که در آن روایت، از امام ع در مورد مردی سؤال می‌کنند که با زنی در عده ازدواج کرد، درحالی که عالم به تحریم بوده است و امام (ع) در جواب فرمودند: «لا تحل له ابداً» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰: ۴۴۹). بلکه در این مسئله، حرمت ابدی در مورد زنا در ایام عده بین فقها مسلم بوده و حکم زنا با زن شوهردار را به‌دلیل مفهوم اولویت از ادله ترتیب حرمت ابدی بر زنا با مطلقه رجعیه استفاده کرده‌اند، همان‌طور که آیت‌الله شبیری زنجانی فرموده‌اند: «فقهاء ما، به سه روش بر حرمت ابد، در تزویج ذات بعل استدلال کرده‌اند، برخی از باب الحاق ذات بعل به معتده، حکم حرمت را نتیجه گرفته‌اند، ایشان از اینکه به حسب روایات، تزویج معتده حرمت ابد می‌آورد، حرمت ابد را در ذات بعل ثابت کرده‌اند...» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۱۸۶۴).

نتیجه اینکه ترتیب حرمت ابدی بر زنا با مطلقه رجعیه مستند به ادله خاصی است که در این مسئله وارد شده است و استاد سید جواد شبیری در تقسیم‌بندی که نسبت به آثار زوجیت بیان کردند فرمودند احکام مستند به ادله خاصه ثمره عملی بحث محسوب نمی‌شوند (س. شبیری زنجانی بدون تاریخ) و طبق تقسیمی که ایشان نسبت به احکام مطرح کردند، حرمت ابدی مطلقه بر زانی از ثمرات عملی بحث محسوب نمی‌شود، زیرا به‌دلیل خاص ثابت شده است. به هر حال ترتیب حرمت ابدی بر زنا با مطلقه رجعیه ارتباطی با زوجیت حقیقی و حکمی مطلقه ندارد و نمی‌توان آن را ثمره عملی این دو نظریه قلمداد کرد.

## ۶. نتیجه

ترتیب احکام زوجه بر مطلقه مستند به روایاتی است که در ابواب مختلف، احکام زوجه را بر مطلقه جاری می‌دانند و از مجموع این روایات، فقها چنین استنتاج کرده‌اند که مطلقه رجعیه در همه احکام در حکم زوجه است.

بعضی فقها اشتراک در احکام را به معنای زوجیت حقیقی و برخی دیگر آن را به معنای زوجیت حکمی تفسیر کرده‌اند. در مورد زوجیت حکمی مطلقه دو مبنی مطرح شده است؛ یکی مبنی این است که مطلقه رجعیه در همه احکام در حکم زوجه است و مبنای دیگر این است که مطلقه رجعیه صرفاً در بعضی از احکام در حکم زوجه است. نظریه دوم از بعضی از عبارات آیت‌الله اشتهاردی در مجلدات ابتدایی کتاب *مدارک العروه* استفاده می‌شود، اما از سایر عبارات ایشان در اواخر کتاب *مدارک العروه* التزام به ترتیب جميع احکام زوجه بر مطلقه رجعیه استفاده می‌شود.

بررسی ثمرات زوجیت حقیقی و حکمی مطرح شده حاکی از این است که هیچ ثمره عملی بین نظریه زوجیت حقیقی و نظریه زوجیت حکمی و ترتیب جميع آثار، مشاهده نشد و همه ثمرات عملی که مطرح شده، قابل مناقشه‌اند، زیرا بعضی از ثمرات مانند جواز استمتاع و صحت لعان، ایلاء و ظهار در ایام عده طبق هر دو مبنی مترتب می‌شوند و بعضی از آثار ارتباطی به زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه ندارند، مانند اینکه ماهیت رجوع حق است یا حکم و بعضی از ثمرات مطرح شده مانند تعبدی بودن یا طبق قاعده بودن ترتیب آثار بر مطلقه اثر عملی ندارند.

بین نظریه زوجیت حقیقی و نظریه زوجیت حکمی و ترتیب بعضی آثار تنها در مورد جواز استمتاع زوجه ثمره ظاهر می‌شود، اما وجود قائل به زوجیت حکمی و ترتیب بعضی از آثار معلوم نیست.

## منابع

- قرآن کریم

۱. ابو الحسین، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقائیس اللغه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. اشتهاودی، علی‌پناه (۱۴۱۷ق). مدارک العروة (للایشتهاودی). تهران: دار الاسوه للطباعة و النشر.
۳. بحر العلوم، محمد بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بلغه الفقیه. تهران: منشورات مکتبه الصادق.
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغه و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
۵. حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). مطلقه رجعیه زوجة حقیقی یا حکمی؟. فقه و حقوق، ۶۱-۸۸.
۶. حائری طباطبائی، سید علی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۷. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). موسوعه الامام الخوئی. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خوئی.
۸. شبیری زنجانی، سید جواد. زوجیت حقیقی یا حکمی مطلقه رجعیه، مدرسه فقاها. مشاهده در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۴۰۱ از
۹. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
۱۰. صالحی مازندرانی، محمد و عبدالمجیدی، حسینعلی (۱۳۹۵). بررسی آثار و احکام طلاق رجعی با در نظر گرفتن وضعیت حقوقی مطلقه رجعیه. آموزه‌های فقه مدنی، ۱۵۷-۱۸۴.
۱۱. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی (المحشی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۳. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر). قم: کتابفروشی داوری.
۱۴. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۵. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله-الحج. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۸. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). کشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: منشورات دار الرضی.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۳۴ق). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۲. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۷). فرهنگ فقه فارسی. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

## References

- The Holy Quran

1. Abu al-Hussein, A. B. F. (1976). *The dictionary of comparisons*. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (in Arabic)
2. Allameh Hali, H. B. Y. (1985). *The rules of Al-Ahkam in the knowledge of Halal and Haram*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers Society. (in Arabic)
3. Ameli, M. B. H. (1981). *Details of Shi'a tools to the study of Shari'a issues*. Qom: Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him. (in Arabic)
4. Ameli, Shahid Thani, Z. B. A. (1982). *Al-Rawda al-Bahiyyah in the description of al-Lama' al-Damashqiyyah (Al-Mahsh) - Sheriff*. Qom: Davari bookstore. (in Arabic)
5. Ameli, Shahid Thani, Z. Elin B. A.. (1985). *Issues of understanding to revise Islamic laws*. Qom: Islamic Encyclopaedia Institute. (in Arabic)
6. Bahrul Uloom, M. B. M.T. (1977). *Bolghat al-Faqih*. Tehran: Al-Sadegh School Charters. (in Arabic)
7. Eshtreddi, A. P. (1991). *Al-Arwa documents (for Ishtahardi)*. Tehran: Dar al-Asaweh for printing and publishing. (in Arabic)
8. Fayoumi, Ahmed bin Mohammad. Without date. *Al-Masbah al-Munir in Gharib al-Sharh al-Kabir by Al-Rafa'i*. Qom: Dar al-Razi's manifestos. (in Arabic)
9. Fazel Handi, M. B. H. (1986). *Kashf Al-Latham and Ilabham about the rules of Al-Ahkam*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)

10. Fazel Lankarani, M. (1990). The description of the Shari'ah in the description of Tahrir al-Wasila-al-Hajj. Beirut: Dar al-Taqin Lalmahabat. (in Arabic)
11. Haeri Tabatabai, S. A. (1992). *Riyad al-Masal*. Qom: Al-Bayt Institute, peace be upon them. (in Arabic)
12. Haji Dehabadi, A. (2015). *Maltaqa rejieh of a real or legal wife?*. Jurisprudence and law 61 to 88. (in Persain)
13. Hashemi Shahroudi, S. M. (2008). *Persian jurisprudence culture*. Qom: Islamic Jurisprudence Institute Publications. (in Persain)
14. Johari, I. B. H. (1982). *Al-Sahah - Taj al-Lagha and Sahah al-Arabiya*. Beirut: Dar al-Alam Lalmalayin. (in Arabic)
15. Khoi, S. A. (1992). *Al-Imam al-Khoei encyclopedia*. Qom: Institute for Revival of Imam Khoi's Works. (in Arabic)
16. Mostafavi, H. (1974). *Researching the words of the Holy Qur'an*. Tehran: Al-Kitab center for translation and publishing. (in Arabic)
17. Mousavi Khomeini, S. R. (2008). *Tahrir al-Wasila*. Qom: Islamic Publishing Institute. (in Arabic)
18. Najafi, M. H. (1976). *Jawaharlal Kalam in the explanation of the laws of Islam*. Beirut: The Revival of Arab Heritage. (in Arabic)
19. Salehi Mazandarani, M., & Abdul Majidi H. A. (2015). Examination of the effects and decrees of reversionary divorce considering the legal status of reversionary divorce. *Teachings of civil jurisprudence*, 157 -184. (in Persain)
20. Shabiri Zanjani, S. J. (No date). <http://www.eshia.ir/>. [http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry\\_mohammad/feqh/97/971113/](http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/feqh/97/971113/). (in Persain)
21. Shabiri Zanjani, S. M. (1991). *Marriage book*. Qom: Rai Pardaz Research Institute. (in Arabic)
22. Tabatabai Yazdi, S. M.K. (1991). *Al-Arwa Al-Wathqi (Al-Mahshi)*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic)
23. Tarihi, F. (1988). *AH Bahrain Assembly*. Tehran: Mortazavi bookstore. (in Arabic)